



Structural Coherence of the Qur'an: Cohesion and Systematic Order Among Its Words, Verses, and Surahs

Hasan Kharaghani

Faculty Member, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

Email: kharaghani@razavi.ac.ir

Orcid: [0009-0006-5824-5029](https://orcid.org/0009-0006-5824-5029)



Citation

Kharaghani, H. (2025). Structural Coherence of the Qur'an: Cohesion and Systematic Order Among Its Words, Verses, and Surahs. (e736217). *Quranic Studies*, 5(16), e736217 doi: 10.22034/qs.2025.736217

[10.22034/qs.2025.736217](https://doi.org/10.22034/qs.2025.736217)

Type of Article: Research Article

Received: 2025/08/25

Revised: 2025/10/02

Accepted: 2025/12/22

Publish Online: 2026/05/02

Abstract

Structural coherence and textual unity in the Noble Qur'an, as one of the aspects of its rhetorical (expressive) inimitability (i'jāz al-bayān), have long attracted the attention of both Muslim scholars and Orientalists. Employing a descriptive-analytical method, this study examines the various dimensions of coherence in the Qur'an, ranging from the phonetic and lexical level to the level of verses and surahs. The findings show that the Noble Qur'an exhibits precise rhythmic organization, the deliberate selection and carefully ordered arrangement of words, the correspondence between the endings of verses and their thematic content, and a profound linkage between verses and surahs. By contrast, the views of certain Orientalists who claim that the Qur'an is structurally scattered and disordered are mainly attributable to overlooking the Qur'an's distinctive, pedagogically purposeful style and its goal-oriented design, as well as to neglecting the rich exegetical and rhetorical heritage developed by Muslim scholars. This study thus supports the conclusion that the Qur'an's structural coherence is a multi-layered and purposeful phenomenon that ensures a full harmonization between form and meaning, thereby confirming the intrinsic unity and inimitability of this divine text.

Keywords

structural coherence, Qur'anic rhythm, verse-thematic consonance, linkage among surahs, rhetorical inimitability, Orientalists.





قرآن پژوهی (فصلنامه تخصصی)
سال پنجم / شماره ۱۶ / تابستان ۱۴۰۴
نوع مقاله: پژوهشی
<https://www.iict.ac.ir>
...

انسجام ساختاری قرآن، هماهنگی و نظام‌وارگی میان واژگان، آیه‌ها و سوره‌های قرآن

حسن خرقانی 

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

Email: kharaghani@razavi.ac.ir

Orcid: [0009-0006-5824-5029](https://orcid.org/0009-0006-5824-5029)



استناد به این مقاله:

خرقانی، حسن. (۱۴۰۴). انسجام ساختاری قرآن، هماهنگی و نظام‌وارگی میان واژگان، آیه‌ها و سوره‌های قرآن .
(e736217) قرآن پژوهی 10.22034/qs.2025.736217 doi: 10.22034/qs.2025.736217, e736217, 5(16),

 [10.22034/qs.2025.736217](https://doi.org/10.22034/qs.2025.736217)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

انسجام ساختاری و یکپارچگی متن قرآن کریم، به‌عنوان یکی از وجوه اعجاز بیانی این کتاب آسمانی، همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان و خاورشناسان قرار داشته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی ابعاد گوناگون انسجام در قرآن، از سطح آوایی و واژگانی تا سطح آیات و سوره‌ها می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم از نظم‌آهنگ دقیق، گزینش و چینش حساب‌شده واژگان، تناسب فواصل آیات با مضامین و پیوند عمیق میان آیات و سوره‌ها برخوردار است. در مقابل، دیدگاه‌های برخی خاورشناسان که به پراکندگی و نابسامانی ساختاری قرآن معتقدند، عمدتاً ناشی از غفلت از سبک منحصربه‌فرد تربیتی و غرض‌محور قرآن و نیز بی‌توجهی به میراث غنی تفسیری و بلاغی مسلمانان است. این مطالعه مؤید آن است که انسجام ساختاری قرآن، پدیده‌ای چندسطحی و هدفمند است که هماهنگی کامل بین صورت و معنا را تأمین کرده و بر وحدت ذاتی و اعجاز این متن الهی صحه می‌گذارد.

واژگان کلیدی

انسجام ساختاری، نظم‌آهنگ قرآن، تناسب آیات، پیوند سوره‌ها، اعجاز بیانی، خاورشناسان.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

مقدمه

مسئله انسجام و یکپارچگی متن قرآن کریم، همواره از مباحث محوری در حوزه علوم قرآن و تفسیر بوده است. از دیرباز، مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان با استناد به مفاهیمی چون «تناسب آیات و سور»، «نظم قرآن» و «وحدت موضوعی سوره‌ها»، به تبیین پیوندهای عمیق درون‌متنی قرآن همت گمارده‌اند. در مقابل، برخی خاورشناسان با انگیزه‌ها و پیش‌فرض‌های خاص، ساختار قرآن را فاقد انسجام و پراکنده توصیف کرده‌اند. این اختلاف نظر، لزوم بررسی نظام‌مند و همه‌جانبه انسجام ساختاری قرآن را بیش از پیش آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر بر آن است تا با واکاوی سطوح مختلف انسجام (آوایی، واژگانی، سطح آیه و سوره) و نیز نقد دیدگاه‌های مخالف، به تصویری روشن از انسجام نظام‌مند قرآن دست یابد و گامی در راستای اثبات اعجاز بیانی این کتاب آسمانی بردارد.

۱. ضرورت تحقیق

بررسی انسجام ساختاری قرآن کریم از چند جهت ضرورت دارد:

۱. دفاع عقلانی از اعجاز قرآن: در مواجهه با شبهات جدید، به‌ویژه ازسوی خاورشناسانی که ساختار قرآن را نامنسجم و پراکنده می‌دانند، تبیین علمی و نظام‌مند انسجام درونی قرآن، پاسخی متقن و دفاعی عقلانی از یکپارچگی و اعجاز این کتاب آسمانی ارائه می‌دهد.

۲. عمق‌بخشی به فهم تفسیری: آگاهی از پیوندهای عمیق میان آیات و سوره‌ها، مفسر را در درک بهتر سیاق، مقاصد سور و ارتباط اجزای قرآن یاری می‌رساند و از تفسیر جزءنگر و منفک جلوگیری می‌کند.

۳. تکمیل پژوهش‌های علوم قرآنی: باوجود مطالعات ارزشمند گذشته در حوزه تناسب آیات و سور، این موضوع با رویکردی تحلیلی - تبیینی و باتوجه به نقد دیدگاه‌های مخالف، نیازمند پژوهش‌های نظام‌مند و جامع‌تری است تا ابعاد مختلف آن (آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی) یکجا مورد واکاوی قرار گیرد.

۲. روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

انجام شده است. در گام نخست، با مراجعه به منابع اصلی علوم قرآن (مانند آثار زرکشی، سیوطی و معاصران)، بلاغت (مانند آثار جرجانی، تفتازانی) و نیز تفاسیر مرتبط (مانند المیزان، مجمع البیان)، داده‌های مربوط به انسجام ساختاری در سطوح مختلف استخراج شد. در مرحله بعد، این داده‌ها با رویکردی تحلیلی، دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفتند تا الگوها و قواعد حاکم بر انسجام قرآن استنتاج شود. همچنین برای نقد آرای خاورشناسان، از آثار مستقیم و نقدهای وارد بر آنها استفاده شد. روش تحقیق حاضر، بر تحلیل کیفی متن قرآن و استناد به مستندات تفسیری و بلاغی استوار است.

۳. یافته‌های پژوهش

۱. انسجام آوایی: قرآن از نظام موسیقایی دقیق و هدفمندی برخوردار است که با معانی آیات هماهنگی کامل دارد. تکرار واج‌های خاص، سجع و فواصل آهنگین و تناسب نغمه‌ها با فضاسازی مفاهیم (مانند وسوسه یا هجوم) از جلوه‌های این انسجام است.
۲. انسجام واژگانی: گزینش واژگان در قرآن، تابع قواعد بلاغی ائتلاف لفظ با معنا و لفظ با لفظ است. کاربرد جناس، اشتقاق، طباق و مراعات نظیر، همچنین تناسب واژه با سیاق و غرض سوره، نشان از دقت حیرت‌انگیز در سطح واژگانی دارد.
۳. انسجام در ساختار آیات: آیات قرآن از نظم دستوری و بلاغی خاصی پیروی می‌کنند که تغییر در تقدیم و تأخیر یا جابه‌جایی اجزا، به زیبایی و دقت معنا آسیب می‌زند. همچنین تناسب فاصله هر آیه با مضمون آن و هماهنگی فواصل آیات با یکدیگر (در قالب سجع متوازی، مطّرف و متوازن)، به انسجام بخشیدن به متن می‌انجامد.
۴. انسجام در ساختار سوره‌ها: هر سوره دارای وحدت غرض و موضوع است که آیات آن را پیرامون محوری واحد گرد می‌آورد. سوره‌ها دارای ساختاری منسجم با سرآغاز (براعت استهلال)، پیکره و پایان (براعت ختام) هستند و ارتباط آیات در درون سوره از طریق روابط دستوری، معنایی، تضاد یا صنایع بلاغی مانند حسن تخلص و استطراد تأمین می‌شود.
۵. تناسب میان سوره‌ها: در ترتیب کنونی مصحف، پیوندهایی میان سوره‌های هم‌جوار

قابل مشاهده است؛ ازجمله ارتباط مضمونی، تناسب پایان یک سوره با آغاز سوره بعد، همانندی در ابتدا یا انتها،

۶. نقد دیدگاه خاورشناسان: ادعاهای پراکندگی و ناسازگاری در قرآن، ناشی از نادیده گرفتن سبک ویژه و اهداف تربیتی قرآن، مقایسه نادرست آن با متون بشری و عدم احاطه به علوم بلاغی و تفسیری اسلامی است. تحقیقات متأخر برخی خاورشناسان نیز به سمت اعتراف به انسجام، به ویژه در سوره های مکی، گرایش یافته است.

۴. مفهوم شناسی

«انسجام»، واژه ای عربی از ماده «س - ج - م» و به معنای روان شدن آب و اشک است (فراهِیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۵۹/ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۸۰-۲۸۱)؛ مقصود از انسجام سخن، تهی بودن آن از پیچیدگی و تکلف و داشتن ترکیبی آسان و الفاظی روان است؛ چنان که می توان آن را به آبی روان همانند دانست (ابن ابی الاصبیح، ۱۴۱۶، ص ۴۲۹/ تهنوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۲/ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰۴۹).

همین مقصود از انسجام ساختاری قرآن، هماهنگی و نظام وارگی در ساختار این کتاب آسمانی با همه عناصر و ویژگی ها، ازجمله تناسب است؛ به گونه ای که هیچ گسستگی و پریشانی در اجزای آن وجود نداشته باشد؛ انسجام محتوایی قرآن نیز بدین معناست که مطالب آن بی هرگونه ناسازگاری و تعارض بوده و آیات آن با یکدیگر همخوان و همسو هستند (مقاله انسجام محتوایی قرآن)؛ در انسجام ساختاری، بیشتر به هماهنگی در شکل ارائه مطالب توجه می شود، ولی در انسجام محتوایی، تنها محتوا مورد نظر است.

انسجام ساختاری قرآن دارای موضوع های گوناگونی است؛ ازجمله نظم آهنگ سخن، گزینش و چینش واژگان در قالب آیه ها، چینش آیه ها با تعداد مشخص در ضمن سوره ها و نظام ویژه سوره ها در قالب مصحف.

در زبان شناسی، چنانچه اجزای جمله های نوشتار یا گفتاری در پیوند با هم باشند، آن نوشته یا گفته، متن (Text) را شکل می دهد. یکپارچگی بین عناصر و بخش های متن، ناشی

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

از دو عامل انسجام (Cohesion) و پیوستگی (Coherence) است (داد، ۱۳۸۳، ص ۵۵): انسجام جمله‌ها، پیامد رابطه اجزای دو یا چند جمله با یکدیگر است؛ این ارتباط در سطح آوایی، معنایی، نحوی و منطقی زبان شکل می‌گیرد، پیوستگی نیز به عاملی گفته می‌شود که بخش‌های متن را به واسطه ارتباط پنهان معنایی - که خود ناشی از نتیجه‌گیری و برداشت افراد، بر اساس تجربه‌های زبانی و فرازبانی است - با یکدیگر مرتبط نموده و باعث وحدت متن می‌شود (همان، ص ۵۶/ عبدالمجید، ۲۰۰۶، ص ۶۸).

از مباحث قرآنی مرتبط با انسجام ساختاری، دانش مناسبات است که به‌وسیله آن، چگونگی شکل‌گیری اجزای قرآن شناخته می‌شود (بقاعی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵). به باور گروهی از صاحب‌نظران انسجام، رابطه میان اجزای زبانی معنا را شکل می‌دهد و مناسبت (Relevance) افزون‌براین معنا را خارج از متن جست‌وجو می‌کند و در نتیجه خلأهای موجود در متن را پر کرده و ابهام‌های به‌جامانده از نظریه انسجام را از بین می‌برد (El-Awa, 2006, pp.26-27).

درخصوص انسجام ساختاری قرآن دیدگاه‌ها و آثار گوناگونی از سوی اندیشمندان ارائه شده است؛ ادیبان و عالمان بلاغت، گزینش و چینش واژگان، سبک بیانی و نظم اعجاز‌آمیز این کتاب آسمانی را مورد توجه قرار داده و در استخراج و توضیح اسرار و ظرافت‌های آن کوشیده‌اند؛ دراین میان جرجانی با دو کتاب اسرار البلاغه در علم بیان و دلائل الإعجاز فی علم المعانی، نقش بسزایی در شکل‌گیری علوم بلاغت در پرتو قرآن ایفا نموده است. وی کاربرد بلاغت را در لفظ و معنا هردو دانسته و از این زاویه به اعجاز قرآن می‌نگرد (ر.ک: جرجانی، ۱۴۲۲، ص ۳۸-۵۱).

در دیگر آثار بلاغی که به قرآن پرداخته‌اند، بحث‌هایی ارائه شده که نشان‌دهنده گوشه‌هایی از نظم و انسجام قرآنی است؛ ازجمله این آثار می‌توان به بدیع القرآن، اثر ابن‌ابی‌الاصبع مصری (ابن‌ابی‌الاصبع، ۱۳۶۸، ص ۲۲)، الطراز لاسرار البلاغه، اثر یحیی بن حمزه علوی (علوی یمنی، ۱۴۲۳، ص ۳۵) و المطول و المختصر در شرح کتاب تلخیص المفتاح، اثر سعدالدین تفتازانی (تفتازانی، [بی‌تا]، ص ۱۲۰) اشاره کرد.

محمود بستانی در القواعد البلاغیه فی ضوء المنهج الإسلامی با بهره‌گیری از مباحث

جدید ادبی، نگارشی نو از مباحث بلاغت را با تطبیق‌های قرآنی ارائه داده که در بخش‌هایی از آن، به‌ویژه در مبحث عنصر ساختاری متن، انسجام ساختاری قرآن به تصویر کشیده شده است (بستانی، ۱۴۱۴، ص ۴۵)؛ مصطفی صادق رافعی نیز در اعجاز القرآن و البلاغة النبویه به سازواری صداها و واژگان در قرآن پرداخته است (رافعی، ۱۴۲۱، ص ۷۸)؛ سید قطب نیز دیگر قرآن‌پژوهی است که در التصوير الفنی فی القرآن جلوه‌های انسجام هنری قرآن را مورد بررسی قرار داده است (سید قطب، ۱۴۱۵، ص ۱۵۴).

به باور برخی از صاحب‌نظران، ابوبکر نیشابوری (م. ۳۲۴ق) نخستین کسی است که به علم تناسب و روابط آیات پرداخته است؛ وی دانشوران بغداد را به دلیل آگاهی نداشتن از دانش مناسبات مورد نقد قرار می‌داد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۶). ابن‌العربی مالکی (م. ۵۴۳ق) نیز به بیان پیوند میان آیات اهتمام داشت و قرآن را متنی یکپارچه و دارای ساختاری منظم و به‌هم‌پیوسته می‌دانست (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱۶). در آثار مهم علوم قرآن، فصلی به این موضوع اختصاص یافته است که از جمله می‌توان به البرهان فی علوم القرآن اثر زرکشی (۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۶) و الاتقان فی علوم القرآن نوشته سیوطی (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱۶) اشاره نمود؛ افزون‌براین سیوطی آثار دیگری نیز در زمینه ارتباط آیات دارد؛ چنان‌که در اسرار التنزیل به بحث درباره نظم قرآن پرداخته و کتاب مراصد المطالع فی تناسب المقاطع و المطالع را درباره مناسبت میان آغاز و پایان هر سوره نوشته است (همو، ۱۴۰۴، ص ۲۲۵). همچنین استاد معرفت در التمهید فی علوم القرآن در راستای اثبات اعجاز بیانی قرآن به بررسی جلوه‌هایی از تناسب و انسجام در قرآن پرداخته است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۹-۶۳۴).

یکی از آثار برجسته درباره انسجام ساختاری، التناسب البیانی فی القرآن (دراسة فی النظم المعنوی والصوتی) اثر احمد ابوزید است (ابوزید، ۱۹۹۲، ص ۵۶)؛ در این کتاب گونه‌های مختلف تناسب بیانی قرآن را در سه بخش: تناسب معنوی، تناسب لفظی و تناسب صوتی از علوم قرآن و علوم بلاغت گرد آمده‌اند. سلوی العوا (Salwa El - Awa) در Textual Relations in the Quran (روابط متنی در قرآن: تناسب، انسجام و ساختار) کوشیده است

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

با بهره‌گیری از دانش زبان‌شناسی، روشی تازه درباره یکپارچگی و نظام‌مندی سوره‌های قرآن ارائه کند (El-Awa, 2006, p.25).

در زبان فارسی نیز آثاری درباره نظم و تناسب قرآن نگاشته شده‌اند؛ ازجمله: نظم قرآن، نگارش عبدالعلی بازرگان؛ چهره پیوسته قرآن، اثر سیدمحمدعلی ایازی (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۰) و پژوهشی در نظم قرآن، نوشته عبدالهادی فقهی‌زاده.

نظم آیات و پیوند میان آنها نیز از محورهای مهم مورد بحث در برخی از آثار تفسیری است؛ کتاب‌هایی چون: مجمع‌البیان، اثر طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۲۲۰)؛ التفسیر الکبیر، نوشته فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰، ص ۱۸۹)؛ المنار، نگارش رشیدرضا (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ص ۱۷۵)؛ فی ظلال القرآن، تألیف سید قطب؛ المیزان اثر علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۴۱۷، ص ۴۵) و در سال‌های اخیر همگام با وحی نگاشته بهجت‌پور (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۸۷)؛ افزون‌براین کتاب‌های مستقلی نیز در این باره نگارش یافته‌اند؛ ازجمله: البرهان فی مناسبة ترتیب سور القرآن، اثر ابن‌زبیر ثقفی (ابن‌زبیر ثقفی، ۱۴۰۸، ص ۸۰) و تناسب الدرر فی تناسب السور، نوشته سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۲).

در سده‌های اخیر، بودن یا نبودن انسجام ساختاری قرآن در ابعاد گوناگون آن، به‌گونه‌ای گسترده مورد توجه مسلمانان و دیگران قرار گرفته است؛ هرچند بسیاری از خاورشناسان با انگیزه‌های خاص به آن پرداخته‌اند.

۵. دیدگاه‌ها درباره انسجام ساختاری قرآن

از میان انواع انسجام‌های موجود در قرآن، درباره تناسب میان آیات و سوره‌ها اختلاف‌نظر وجود دارد؛ چنان‌که برخی آن را نپذیرفته‌اند؛ ازجمله به باور عزالدین بن عبدالسلام (م. ۶۶۰ق) از آنجا که آیات قرآن به تدریج، در وضعیت‌های مختلف و با انگیزه‌های گوناگون نازل شده، نمی‌توان در پی شناسایی مناسبت میان آنها بود (ر.ک: شافعی، ۱۴۱۶، ص ۳۳۸/زركشي، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۷)؛ غانمی (م. قرن ۸) نیز به‌طور ضمنی، وجود مناسبت میان آیات را نپذیرفته و قرآن را برخوردار از اسلوب شاخه‌به‌شاخه شدن

مطالب (اقتضاب) می‌داند (روشی که در بین اعراب رواج داشته و بی‌مناسبت از سخنی به سخن دیگر منتقل می‌شده‌اند)؛ از این رو در نگاه وی شیوه انتقال همراه با مناسبت، روشی تکلف‌آمیز است (ر.ک: علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۷۳/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۲۰)؛ همچنین شوکانی ایجاد پیوند میان آیات را تکلف‌بار و زیان‌آور خوانده است (ر.ک: شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۸۵-۸۷)؛ فرید وجدی (م. ۱۳۷۳ق) نیز بر این باور است که چنانچه قرآن در ترتیب و باب‌بندی مانند نوشته‌های بشر باشد، کتابی دست‌ساخته خواهد بود؛ نه آسمانی؛ بنابراین ترتیب در محدوده کلام بشری حاکمیت داشته و سخن باری تعالی از آن بری است (ر.ک: صعیدی، [بی‌تا]، ص ۳-۴/ حجازی، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

در پرتو مطالعه متن سوره‌ها با توجه به غرض هر سوره می‌توان به وجود تناسب میان آیات دست یافت. بی‌توجهی شرق‌شناسان به زبان تربیتی قرآن و غرض‌محور بودن هر سوره و نیز مقایسه قرآن با متن‌های آموزشی، موجب شده است تا آنان آیات موجود در هر سوره را مجموعه‌های بریده از یکدیگر و نامنسجم ارزیابی کنند.

از نگاه شماری از خاورشناسان پیشین و متأخر، شیوه بیانی قرآن، پراکنده و گسسته است (عباس، ۱۴۲۱، ص ۶۰-۷۴/ ابولیل، ۱۴۲۳، ص ۱۹۶-۱۹۷/ شحاته، ۱۹۸۵، ص ۳۰۷): برخی چون نیکتس (Niktetas) و کارلایل (Carlyle) چنین قرآن را نامنظم و بدساخت معرفی کرده‌اند (ر.ک: Scholler, 2006, p.190/ Bobzin, 2006, p.238)؛ بارت (Bart) از خاورشناسان متأخر نیز دیدگاه‌های خود را بر اصل نامنظم بودن چنین واژگان، آیات، عبارت‌ها و سوره‌های قرآن بنیاد نهاد؛ دیدگاه‌های وی بعدها در سطحی گسترده از سوی بلاشر (Blachere) به کار گرفته شده و توسط بل (Bell) به اوج رسید (see: Bellamy, 2006, p.240)؛ بل، گسستگی مقاطع آیات را آشکارتر و چشمگیرتر از پیوستگی معنایی آنها دانسته و بر این باور است که در برخی از این قطعه‌ها، نشانه‌هایی حاکی از تعلق آن به جای دیگر بوده و با آیات سوره موردنظر پیوندی ندارد؛ وی درباره سوره‌های بلند معتقد است که هیچ موضوعی از این موضوع‌ها، به‌گونه‌ای منسجم و در یک سوره یا آیات و عبارت‌های کافی و واحد در یکجا قابل جمع نیست (ر.ک: بل، ۱۳۸۲، ص ۱۱۸)؛ بل همچنین با اشاره به آنچه قافیه‌های افزوده‌شده و

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

ناهمواری سبک و تغییر موضوعی قرآن نامیده، نتیجه می‌گیرد که قرآن پس از حضرت محمد ﷺ مورد دستکاری واقع شده است (see: Lowin, 2006, p.449).

این مسئله تا آنجا پیش رفت که در نیمه نخست سده بیستم، تاریخ‌گذاری اجزای متن قرآن و انسجام آنها یکی از سرفصل‌های قرآن‌پژوهی شرق‌شناسان قرار گرفت (Scholler, 2006, p.193). بدیهی است ارائه این فرضیات ناشی از نادیده‌گرفتن میراث علمی مسلمانان و بسنده‌کردن به شواهد درون‌متنی است (Scholler, 2006, p.190)، درحالی‌که بهره‌جستن از شواهد درون‌متنی نیز نیازمند احاطه کامل به سبک منحصر به فرد قرآن می‌باشد (مقاله‌های انسجام محتوایی قرآن؛ تاریخ‌گذاری قرآن؛ زبان قرآن). این نکته مورد توجه برخی از مستشرقان هم بوده است؛ از نگاه شولر اتفاقی نیست که از نیمه دوم سده بیستم بیشتر پژوهش‌های انجام شده از سوی شرق‌شناسان درباره ساختار قرآن، دیگر درصدد طراحی ترتیب زمانی ثابت یا چینش مجدد سوره‌ها نیستند، بلکه بیشتر به توصیف پایدارشناسانه عبارت‌های قرآن گرایش پیدا کرده، دست‌کم بر یکپارچگی سوره‌های مکی اذعان دارند یا می‌کوشند تا به کمک آثار اسلامی فراوان، راه‌حلی برای مسئله انسجام متن قرآن ارائه کنند (Scholler, 2006, p.192).

باوجوداین برخی از نویسندگان دانشنامه قرآن لایدن مدعی‌اند که گروه تدوین مصحف عثمانی در چینش آیات، دقت کافی نداشته‌اند و این به پیدایش مجموعه‌ای ناهماهنگ منجر شد که پیام‌ها و پیوندهای آن از هم گسیخته و دارای سوره‌هایی است که ساختار ادبی یکپارچه و هماهنگی ندارند (Neuwirth, 2006, p.247)؛ دراین‌میان گروهی با استناد به این ناهماهنگی، قرآن را پر از اشتباه دانسته و بدین ترتیب اعجاز آن را مخدوش می‌دانند (Leaman, 2006, pp.55-56). درمقابل به باور برخی دیگر از خاورشناسان با شناخت ساختار زبان عربی و نیز سبک‌شناسی قرآن، اشکال‌های پیش‌گفته برطرف می‌گردد. در هر صورت به اعتراف برخی خاورشناسان هنوز به اندازه کافی درباره پیوستگی و انسجام سوره‌ها، بررسی و مطالعه انجام نگرفته است (Neuwirth, 2006, p.167). به رغم آنچه بیان شد، بیشتر قرآن‌پژوهان پیشین (ر.ک: تفتازانی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۴۴۶-۴۴۸/ زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۳،

ص ۲۳۳-۲۸۷/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۲۴-۶۲۹) و معاصر (ر.ک: خنین، ۱۴۱۶، ص ۲۹۷-۳۱۷/ حسان، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷/ سبحانی، ۱۴۲۴، ص ۲۷-۳۵/ ایازی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳-۱۳۴) وجود پیوند میان آیات را در بسیاری از موارد پذیرفته‌اند.

در حوزه ارتباط میان سوره‌ها به‌طور کلی کسانی که توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را نپذیرفته‌اند، در صف مخالفان قرار دارند که از جمله ایشان می‌توان به ابن جزری غرناطی (ابن جزری غرناطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴)، ابن فارس (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۲۰)، طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۲۴-۱۲۵) و معرفت (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱/ همو، ۱۳۸۱، ص ۴۱۲) اشاره کرد. گروهی از صاحب‌نظران نیز توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را لزوماً به معنای وجود پیوند نزدیک میان سوره‌های هم‌جوار نمی‌دانند (صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱). هریک از موافقان و مخالفان پیوستگی آیات، دلایل و شواهدی ارائه کرده‌اند که مورد نقد یکدیگر قرار گرفته است (مقاله مقاصد سوره‌های قرآن).

گونه‌های انسجام در قرآن: اندیشمندان، محورها و گونه‌های مختلفی را برای استواری و هماهنگی در ساختار قرآن ارائه کرده‌اند (سید قطب، ۱۴۱۵، ص ۸۷-۸۹/ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۵۸). مناسب‌ترین طرح برای بیان سطوح گوناگون انسجام ساختاری قرآن، بررسی آن از کوچک‌ترین واحد زبانی؛ یعنی حروف، سپس در سطح واژگان، آن‌گاه در سطح جمله‌ها، پس از آن، میان آیات و بعد در بین سوره‌هاست.

۱. انسجام آوایی در قرآن: آوای گیرا و نغمه‌های موزون و هماهنگ، نخستین چیزی است که با شنیدن قرآن، حتی از سوی ناآشنایان با زبان عربی احساس و درک می‌شود. برخی خاورشناسان مانند گیب (Gibb) با اعتراف به این نکته خاطر نشان کرده‌اند که زیبایی موسیقایی قرآن، بخشی از رموز و راهای جذابیت و شگفتی آن بوده نقش عمده‌ای در فراهم آوردن زمینه گرایش اعراب به اسلام داشته است (ر.ک: ابوزید، ۱۹۹۲، ص ۲۴۵).

رُمانی نخستین کسی است که درباره همسازی حروف در اسلوب قرآن سخن گفته است؛ او این همسازی (تلائم) حروف را دارای مراتبی می‌داند که قرآن در اوج آن است. در مقابل، وی ناسازی (تنافر) حروف را از دوری یا نزدیکی زیاد مخرج‌های حروف ناشی می‌داند. نتیجه

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

انسجام حروف، زیبایی واژگان و آسانی تلفظ آن است (رُمانی، ۱۳۸۲، ص ۶۱، ۶۳ و ۸۸/ر.ک: راغب، ۱۴۲۲، ص ۳۸۲).

رافعی نیز تناسب نغمه‌های قرآنی را به گونه‌ای می‌داند که گویی یک قطعه بوده و همچون آهنگی بر قلب مخاطب خوانده می‌شود؛ نه آنکه تنها تلاوت سخن باشد؛ او این امر را از ترتیب حروف که مجموعه‌ای از آواها و مخرج‌ها بوده و در صفات گوناگون با یکدیگر تناسب دارند، ناشی می‌داند (ر.ک: رافعی، ۱۴۲۱، ص ۱۵۲-۱۵۴)؛ افزون‌براین حرکت‌ها نیز عامل سومی در این انسجام به‌شمار آمده‌اند (راغب، ۱۴۲۲، ص ۳۸۴). سید قطب موسیقی قرآن را نتیجه نظام‌مندی ویژه‌ای می‌داند که در کوتاهی و بلندی فاصله‌ها و انسجام حروف در یک واژه و هماهنگی واژگان در یک فاصله ریشه دارد. قرآن از قیدوبندهای قافیه و وزن آزاد است؛ درعین حال در میان ویژگی‌های شعری، از موسیقی درونی آن بهره‌مند بوده و از این جهت، هم ویژگی نثر را داراست و هم خصوصیات شعر را (سید قطب، ۱۴۱۵، ص ۱۰۲). معرفت، ترکیب واژگان در قرآن را به گونه‌ای می‌داند که تناسب آوای حروف کلمات هم‌ردیف آن رعایت گردیده و آخرین حرف هر واژه با نخستین حرف از واژه پس از آن، هم‌آوا و هم‌آهنگ شده است (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۳۷۵).

در علوم قرآن از انسجام آوایی با عنوان نظم آهنگ قرآن نیز یاد می‌شود؛ نظم آهنگ یا ضرب آهنگ، معادل ایقاع و ریتم (Rhythm)، یکی از عناصر مشترک در تمامی هنرهاست و در موسیقی به معنای پیایی بودن ضربه‌های آهنگ است که برای موزون کردن نوای موسیقی به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۲۴۵۸/ر.ک: ذوالفقاری و داد، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷)؛ ریتم، تابع هفت قانون نظم، تغییر، تساوی، توازی، توازن، تلازم و تکرار است که همزمان با هم عمل می‌کنند (ر.ک: اسماعیل، ۱۴۲۱، ص ۱۰۲)؛ قوانین به وجود آورنده نظم آهنگ در قرآن را در قالب تناسب واژگان، توازن در گروهی از آیات، چینش ویژه واژگان و تکرار برخی از واج‌ها (کوچک‌ترین واحد صوت)، واژگان و عبارت‌ها و گزیده‌گویی و پیراستگی از زواید، به وضوح می‌توان مشاهده کرد که از جمله نمونه‌های زیبای آن، سوره‌های فجر و شمس هستند.

به باور پژوهشگران، ویژگی مهم نظم آهنگ قرآن، آن است که با معنا هماهنگ بوده و

ترسیم‌گر مفاهیم در ذهن است؛ به گونه‌ای که در نظام آوایی شگرف قرآن، هر حرف با ویژگی‌های صوتی خود، سازی را می‌نوازد؛ هر کدام از صامت‌ها و مصوّت‌های کوتاه (یَ) و بلند (حروف مدّ، آ، وُ، ی) (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۲۱۰۲۷)، حرکت‌ها و سکون‌ها، مدها و تشدیدها به گونه‌ای سامان داده شده‌اند که در مجموع هم‌آوایند و هر دسته، سرودی را می‌خواند که هماهنگ با معنا، دارای اوج و فرودی است (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۵، ص ۹۱-۹۸/ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۲۲-۲۲۸/ صغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۶۵-۱۸۸)؛ برای نمونه در سوره ناس این گوه آمده است: «قُلْ أَغْوِیْرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْأَوْسَاطِ الْخُنَّائِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ».

حرف «س» که در این سوره، ده بار تکرار شده، دارای آوایی است که صدا در آن فرود می‌آید؛ به گونه‌ای که با دهان باز نمی‌توان آن را تلفظ کرد و گاه در برخی افراد، هنگام تلفظ آن، دندان‌های بالا و پایین به هم می‌چسبند. انتخاب این واج با فضا سازی سوره که بیانگر وسوسه و القائنات پنهانی شیطان در نفس است، کاملاً تناسب دارد؛ چنان‌که با گوش‌فرادادن به این نغمه، احساس می‌شود؛ کاربرد حرف «ص» که در تمامی ویژگی‌های آوایی با «س» مشترک بوده و از صفت اطباق افزون‌تری برخوردار است نیز به این مسئله کمک کرده است؛ همچنین حروف «ف» و «و» که از حروف شفوی (چهار حرف «ب، ف، م، و» که از لب ادا می‌شوند) (ر.ک: ستوده‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۸۷، ۸۹ و ۱۴۶/ حریری، ۱۳۸۴، ص ۳۳۵) هستند، در ویژگی همس، در لغت به معنای صدای آهسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۴۶/ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۲۵۰) و در علم تجوید عبارت است از جریان نفّس در تلفظ حرف به دلیل ضعف اعتماد و تکیه بر موضع تولید حرف (سیبویه، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۴۳۴/ ستوده‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۷۴)، مشترک‌اند و وجود واوهای پیاپی در میان سین‌ها که باعث بسته شدن‌های پی‌درپی دو لب می‌شود، در به تصویر کشیدن صحنه وسوسه در آیات چهارم و پنجم این سوره نقش بسزایی دارد (نحله، ۱۴۰۹، ص ۱۶۱-۱۶۲).

نمونه دیگر این تناسب، آیات نخست تا پنجم سوره عادیات است: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا قَالُمُورِيَاتٍ قَدْحًا قَالُمُغِيرَاتٍ صُبْحًا فَأَنْتَرْنَ بِهِنَّ نَقْعًا فَوْسَطْنَ بِهِنَّ جَمْعًا» که تصویر آوایی آن، موازی و همگام

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

با تصویر تعبیری بوده و ترسیم‌گر حالت تاختن و هجوم است. سه آیه نخست، کوتاه بوده و ضرب‌آهنگی تند دارند و در طول موج، وزن و قافیه، یکسان هستند؛ واژه نخست هر آیه، دربردارنده دو مد است و واژه دوم، مدی جز در آخر ندارد؛ در این آیات خیزش اسبان و فرود آمدن و برخورد سمشان با زمین به تصویر کشیده شده است؛ در دو آیه دیگر، این حالت در فضایی بسته ترسیم می‌شود که شامل صحنه درگیری و پایان آن است (مبارک، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳-۱۵۴).

در آیه‌های نیایش؛ مانند آیات ۱۹۱ تا ۱۹۴ سوره آل عمران: «...رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ...»، اسلوب آیات، آمیخته با مدهایی است که نغمه آرام و اندوهناکی به سخن می‌بخشد و کشیده‌بودن آواهای آن، سخن را از جان بر می‌خیزاند و بر آن فرو می‌نشانند و زمینه رازونیز و سوزوگداز را فراهم می‌آورد؛ این بیانگر حالتی است که بنده دست نیاز به درگاه خداوند می‌آورد.

۲. انسجام‌های واژگانی: گزینش و چینش واژگان در قرآن کریم بسیار دقیق و حساب‌شده است؛ به گونه‌ای که مفردات به‌کاررفته در قرآن، شیواترین، زیباترین و مناسب‌ترین واژگان زبان عربی برای بیان معنای مورد نظر هستند؛ این واژگان، هنگامی که در ساختار سخن قرآنی قرار می‌گیرند، از نظر لفظ و معنا با دیگر واژگان متن و نیز با ساختار سخن سازگار بوده و هماهنگی تمام دارند و نمی‌توان به جای آنها واژه بهتری یافت (ر.ک: بنت الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۴-۲۱۵/ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹/ بدوی، ۲۰۰۵، ص ۵۱)؛ محورهای این انسجام عبارت‌اند از:

الف) هماهنگی واژگان با یکدیگر: از آرایه‌های بدیع، انتلاف واژه با واژه است؛ یعنی گوینده از میان واژگانی که بیانگر معناست، واژه‌ای را برمی‌گزیند که با دیگر واژگان متن، همخوانی داشته باشد و تمامی آنها یا غریب و دور از ذهن باشند یا پرکاربرد (علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۸۰/ ر.ک: مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۸-۱۶)؛ برای نمونه درباره کاربرد واژه غریب در آیه «قَالُوا تَاللَّهِ تَقْتُولُونَ دُكْرَ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ» گفتند: به خدا سوگند! که پیوسته یوسف را یاد می‌کنی تا زار و نزار یا نابود شوی» (یوسف: ۸۵)، از کم‌کاربردترین واژگان سوگند که «تَاللَّهِ» باشد، استفاده شده است؛ زیرا «تَقْتُولُونَ» که در کنار آن قرار گرفته، از نادرترین

فعل‌های ناقص بوده و پس از آن نیز «حَرَضَ» آمده است که در میان واژگان دارای معنای «در آستانه نابودی قرار گرفتن»، کم‌استعمال‌ترین آنها می‌باشد.

به لحاظ ساخت، هم‌آبودن واژگان و هماهنگی آنها، انواع ادبی پربسامدی را در قرآن می‌توان یافت؛ از قبیل ۱. گونه‌های مختلف جناس (دو واژه که در لفظ شبیه هم و در معنا گوناگون باشند) (علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۳۸/ر.ک: مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۵۱)؛ مانند «وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا يَتَّبِعُ عَنِ الْهَوَىٰ: سوگند به ستاره، هنگامی که فرود آید! که یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده است و از سر هوس سخن نمی‌گوید» (نجم: ۳-۱). سه واژه «هوی»، «غوی» و «هوی» که در پایان هر آیه آمده، کاملاً هماهنگ‌اند؛ دو واژه «هوی» با واژه میانی «غوی» تنها در حرف نخست تفاوت داشته و در دو حرف دیگر، مشترک‌اند و افزون‌براین دو، حرف «هـ» و «غ» هردو از حروف حلقی بوده و بسیار به هم نزدیک‌اند؛ همچنین نخستین «هوی» که فعل ماضی به معنای فرود آمدن است، با دومین «هوی» که به معنای هوس و خواهش نفس آمده، رابطه نزدیک‌تری دارد؛ بدین صورت که از نظر لفظی کاملاً یکسان بوده ولی و در معنا متفاوت‌اند. ۲. اشتقاق (هم‌ریشه‌بودن دو واژه) و شبه‌اشتقاق (دو واژه در تمامی یا بیشتر حروف اصلی خود یکسان باشند، چنان‌که از یک ریشه به‌نظر آیند) (ر.ک: مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۴)؛ مانند «فَأَقْوَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَبِيرِ» (روم: ۴۳)؛ «پس به‌سوی این دین پایدار رو بیاور» که أَقَمَ و قَيَّمَ هردو از «ق - و - م» مشتق شده‌اند و نیز مانند «قَالَ إِنِّي لَعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ: گفت: به‌راستی من دشمن کردار شما هستم» (شعراء: ۱۶۸)، که «قالین» از «قُلُوْا يَا قُلُوْی» به معنای شدت بغض است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۱۲) و با قَالَ از ماده «قَوْل» همگونی زیبایی دارد. ۳. مشکله (دو چیز که به همراه هم یاد شده و از یکی به واژه دیگری تعبیر شود) (ر.ک: مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۲۵۷-۲۶۲)؛ مانند «فَتَنِّيَ اعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيَّ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ: پس هرکس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده به او تعدی کنید» (بقره: ۱۹۴)، برخورد با تجاوزگر و مقابله به‌مثل با او درواقع تعدی و تجاوز نیست، اما چون به‌عنوان کیفر آن عمل یاد شده و همانند اوست، نام آن را به خود گرفته است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۳).

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

ب) هماهنگی واژگان با معانی: هماهنگی واژه با معنا، بنیان سخن بلیغ بوده و از آن در بلاغت با نام «ائتلاف لفظ با معنا» یاد می‌شود؛ این هماهنگی چنان است که واژگان، شایسته و مناسب معنای مورد نظر باشند: هنگامی که معنا، بلند و سترگ است، واژه برگزیده برای آن باید ستبر بوده و زمانی که معنا، ظریف و رقیق است، لفظ نیز روان و رقیق و در تمامی حالات با آن مطابق باشد (علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۸۰/ر.ک: مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۵-۲۲).

هماهنگی واژگان با معانی، در سراسر قرآن رعایت شده و نمونه‌های فراوانی دارد (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۶۴/ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۲۲-۲۲۸/بدوی، ۲۰۰۵، ص ۵۱-۶۴)؛ برای نمونه هنگامی که قرآن از روز رستاخیز و عذاب‌های آن سخن می‌گوید، واژگان به کار رفته خشن بوده و تأثیر شگرفی در روان انسان دارد که متناسب با صورت ترسناک عذاب است؛ از سوی دیگر زمانی که از بهشت و نعمت‌های آن یاد می‌شود، کلمات، لطیف و دل‌ربا بوده و کلام ساختاری ملایم دارد. چگونگی ترکیب آوایی واژه «صاخّه» (صدای مهیب و گوش‌خراش) (عبس: ۳۳) که از ویژگی‌های روز رستاخیز است، همساز با معنای آن بوده و گوش شنونده را می‌آزارد. نمونه دیگر، این کلام خداوند است: «وَلَا تَرْكُؤُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ: به ستم‌پیشگان گرایش نیابید که آتش دوزخ به شما خواهد رسید» (هود: ۱۱۳). در این آیه با توجه به اینکه میل و گرایش به ظالم، پایین‌تر از مشارکت در ظلم است، عقوبتی کمتر از عقوبت ظالم داشته و به همین سبب، با واژه «مس» بیان شده است که پایین‌تر از سوختن و افتادن در آتش است (ابن‌ابی‌الاصبع، ۱۴۱۶، ص ۱۹۶).

ج) هماهنگی معانی با یکدیگر: مفاهیم به کار رفته، چنانچه همگی داخل در یک مجموعه و از جهت همراهی، جنس، نوع، زمان، مکان و مانند آن در یک راستا قرار داشته باشند. به این گونه در علم بدیع، مراعات نظیر، گفته می‌شود (تفتازانی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۰۱/مدنی شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۱۹)؛ همانند: «الْهَمُّ أَزْجَلُ يَمْشُونَ بِهَا أَقْرَأُ لَهُمْ أَيْدِيَّ يُطِشُونَ بِهَا أَقْرَأُ لَهُمْ أَعْيُنُ يُبْصِرُونَ بِهَا أَقْرَأُ لَهُمْ آذَانُ يَسْمَعُونَ بِهَا: آیا پاهایی دارند که با آن راه روند یا دستانی که با آن کاری انجام دهند یا چشمانی که با آن ببینند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟» (اعراف: ۱۹۵). در این آیه، چهار عضو

بدن (پا، دست، چشم و گوش) که دوه‌دو تناسبی ویژه با هم دارند، همراه با کارهایی که انجام می‌دهند گرد آمده است.

(د) هماهنگی تضادی: هنگامی که در سخن، پدیده‌های متضاد با هم بیایند، گونه‌ای سازواری پدید می‌آید که بر زیبایی، لطافت و روشنگری سخن می‌افزاید؛ چراکه با هر معنا، ضد آن نیز در ذهن تداعی شده و کاربرد معانی مقابل هم، تمام جوانب مطلب را آشکار می‌کند؛ از این رو به این آرایه ادبی در علم بدیع، «طباق» می‌گویند که به معنای برابر، موافق و مساوی بودن است (ر.ک: ابن ابی‌الاصبع، ۱۴۱۶، ص ۱۱۱ / مدنی شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۱ / مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۵۱-۲۶۰)؛ همانند آیات زیر که در آن، ده چیز، دوه‌دو با هم سنجیده شده‌اند:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ: نابینا و بینا یکسان نیستند و نه تاریکی و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب و نه زندگان و مردگان برابر نیستند؛ خداست که می‌شنواند و تو شنونده در گور خفتگان نیستی (فاطر: ۱۹-۲۲).

(ه) هماهنگی واژگان با موضوع و ساختار سوره: با بررسی آیاتی که دارای همانندی واژگانی هستند، به خوبی می‌توان دریافت که قرآن کریم در هر سوره، واژگانی را برگزیده است که با روح، ساختار و موضوع حاکم بر آن تناسب دارند (ر.ک: ابوزید، ۱۹۹۲، ص ۱۷۳-۱۸۶)؛ برای نمونه خداوند در آیه ۱۴۹ سوره نساء می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا» و در آیه ۵۴ سوره احزاب می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخَفُّوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». خطیب اسکافی دلیل به کار رفتن لفظ «خیر» در سوره نساء و لفظ «شیء» در سوره احزاب را سیاق هر سوره می‌داند؛ زیرا «خیر» در سوره نساء در مقابل واژه «سوء» است که در آیه پیشین آمده: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ» (نساء: ۱۴۸) و «شیئاً» در سوره احزاب به دلیل آن است که در آیات پیشین به طور عموم گفته شده است: «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» (احزاب: ۵۱)؛ بنابراین مناسب است که در اینجا نیز به طور عام واژه «شیء» انتخاب شود (خطیب اسکافی، ۱۴۲۲، ص ۶۳-۶۴). ابن‌زبیر ثقفی وجه انتخاب این واژگان را به روح و هدف خاص هر سوره باز می‌گرداند؛ چه آنکه در سوره نساء از کارهای خیری مانند اصلاح میان مردم و گذشت از

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

بدی‌ها سخن به میان آمده است، اما در سوره احزاب، مقصود، فراگیر بوده و هردو طرف خوبی و بدی را دربرمی‌گیرد (ر.ک: ابن‌زبیر ثقفی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۶۱-۳۶۳). هماهنگی واژگان با موضوع در بخش‌های پایانی آیات نیز خود را نشان می‌دهد؛ مانند «...ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ... ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ... ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (ر.ک: انعام: ۱۵۱-۱۵۳)؛ در این سه آیه از سه واژه متفاوت («بیندیشید، پند گیرید و به تقوا گرایید» به تناسب آموزه‌های اخلاقی ارائه‌شده در هریک از آنها استفاده شده است؛ واژه «تعقلون» در آیه نخست، متناسب با پنج فرمان یکتاپرستی، احترام به والدین، نکشتن فرزندان، دوری جستن از کارهای زشت و مرتکب قتل‌نشدن است؛ یعنی مردم می‌توانند با اندیشه‌ای درست این موارد را رعایت کنند، اما آیه دوم به چهار فرمان اشاره دارد: مال یتیم را نبرید؛ به عدالت رفتار کنید؛ شهادت عادلانه بدهید و به پیمان خدا وفادار باشید؛ یعنی چیزهایی که باید به خاطر سپرد، پس از واژه «تذکرون» استفاده شده است و بالاخره در آیه پایانی، مجدداً به موضوع تکراری پرهیزکاری تأکید می‌کند؛ بنابراین واژه «تتقون» را به‌کار برده که به لحاظ سبک و معنا مناسب‌ترین واژه است (Abdol-Raof, 2006, p.597).

به‌جز آنچه یاد شد یکپارچگی‌های دیگری نیز در واژگان قرآن می‌توان یافت که از آن جمله هماهنگی واژگان با جایگاه دلالتی آنهاست؛ بدین معنا که واژگان قرآن کریم از نظر ظرافت‌های معنایی با مورد و جایگاهی که به‌کار می‌روند، هماهنگی و تناسب کامل داشته و از روی تفنّن، واژگان مترادف درباره یک معنا به‌کار نمی‌روند (ر.ک: بنت‌الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۴-۲۱۵ / منجد، ۱۴۱۷، ص ۲۲۴ / خرقانی، ۱۳۸۰، ص ۸۹-۹۶). برخی به ترتیب بهینه کلمات اشاره کرده‌اند؛ برای مثال واژگان معطوف در ترتیبی متناسب با مضمون آیات چیده شده‌اند (Abdol-Raof, 2006, pp.595-596).

۳. هماهنگی و انسجام در ساختار آیات: یکی دیگر از ابعاد انسجام ساختاری، هماهنگی و یکپارچگی در ساختار آیات است که بسیاری از قرآن‌پژوهان (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۵ / خویی، ۱۴۰۱، ص ۵۷-۶۰ / مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۵ و ۱۷، ص ۱۱۹-۵۵) آن را بیان کرده‌اند؛ برابر این‌گونه انسجام، بخش‌های تشکیل‌دهنده آیات،

عناصری همخوان و سازوار بوده و با پیوندی استوار میان خود، قطعه‌ای هماهنگ و همبسته از آیه را می‌سازند که در تدوین با آیات دیگر، سوره‌ای نظام‌مند و آراسته را ایجاد می‌کند. بهترین توصیف در این باره برای گزاره‌های قرآنی، سخن خود قرآن است که آیات خویش را استحکام یافته و با بیانی روشن از سوی حکیمی آگاه، می‌خواند (هود: ۱/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۳۶-۱۳۷/ ر.ک: بدوی، ۲۰۰۵، ص ۸۵/ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۹-۸)؛ انسجام در آیات در سه محور قابل بررسی است:

الف) انسجام در نظم آیه: واژگان با چینش خود و بر پایه دستور زبان و بایستگی‌هایی که گوینده حکیم در تقدیم و تأخیر واژگان در نظر می‌گیرد، جمله‌ها و عبارت‌ها را تشکیل می‌دهند و قرآن کریم، در عین به‌کارگیری قالب‌های زبان عربی، ساختاری را بر آن حاکم می‌کند که هر جزء در جای خود قرار گرفته و هرگونه تغییری در آن، به شکوه سخن و دقت معنا آسیب می‌رساند. در آثاری که به علوم و بلاغت قرآن پرداخته‌اند، حکمت‌های این چینش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۳۳-۲۸۷/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۲۴-۶۲۹/ خنبن، ۱۴۱۶، ص ۲۹۷-۳۱۷)؛ برای نمونه خداوند در آیه ۲۳ سوره نساء می‌فرماید:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَوَّالُكُمْ وَآخَافُكُمْ وَالْأَخَوَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمُ اللَّائِي فِي جُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّوْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَّائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنْ لَّوْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَّائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنْ لَّوْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَّائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنْ لَّوْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَّائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ

رَجِيمًا: حرام شده است برای شما مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان که در دامن شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، [دختران آنها] برای شما مانعی ندارد و همچنین همسران پسرانتان که از نسل شما هستند، [نه پسرخوانده‌ها] و نیز حرام است بر شما که میان دو خواهر جمع کنید؛ مگر آنچه در گذشته رخ داده باشد؛ چراکه خداوند، آمرزنده و مهربان است.

این آیه، ازدواج‌های ممنوع را در سیزده مورد با جزئیات و شروط قانونی آن تبیین می‌کند که دو ویژگی مهم در آن آشکار است: ۱. جامعیت؛ ۲. طبقه‌بندی منظم در پیوند با درجه خویشاوندی.

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

این حالت‌های سیزده‌گانه به دو عنصر معطوف است: ۱. حرمت ذاتی؛ ۲. حرمت عارضی. حرمت ذاتی (که در فقه از آن به حرمت نسبی یاد می‌کنند) هفت مورد را به ترتیبی که یاد می‌شود، دربرمی‌گیرد: مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر؛ این ترتیب بنا بر اهمیت حرمت، اولویت‌بندی شده و باتوجه به نزدیکی بیشتر حاصل می‌شود. همچنین پیوندهایی که از طریق نزدیکان مذکر است بر نزدیکان مؤنث مقدم شده است.

در حرمت عارضی شش حالت وجود دارد که به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱. حرمت از راه شیرخوارگی؛ ۲. حرمت از راه ازدواج. در خویشاوندی رضاعی، نخست مادر رضاعی و سپس خواهر رضاعی آمده است؛ همان‌گونه که این ترتیب در مادر و خواهر حقیقی نیز لحاظ شده بود. همچنین پیوند رضاعی بر پیوند از طریق ازدواج مقدم شده است؛ چراکه این پیوند در دوران کودکی تحقق یافته و در وجود، مقدم بر پیوند سببی است؛ پیوند از راه ازدواج نیز دربردارنده چهار حالت است: ۱. مادرزن؛ ۲. دختر همسر؛ ۳. همسر پسر؛ ۴. جمع میان دو خواهر؛ در اینجا نیز ترتیب دقیق لحاظ شده است (ر.ک: ابن‌نبی، ۱۳۷۱، ص ۲۷۵-۲۷۶/مطعنی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۹).

ب) تناسب فواصل با مضمون آیه: برجسته‌ترین و بحث‌انگیزترین بخش در هر آیه، پایان آن است که «فاصله» نام دارد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳)؛ فاصله - باتوجه به نقشی که در ترکیب آیه ایفا می‌کند - دو گونه است: ۱. گاه فاصله، جزئی از ترکیب اصلی آیه است که مکمل اجزای دیگر آن بوده و بدون آن، معنا تمام نمی‌شود؛ بنابراین به دلیل پیوند مستحکمی که با اجزای دیگر دارد، آیه نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد؛ ۲. گاه فاصله، پس از کامل شدن معنای آیه می‌آید؛ برای این اساس نقشی تزیینی در آیه ایفا نموده و همانند پانویس یا پی‌نوشتی بر محتوای آیه است. در این‌گونه فواصل، میان مضمون و ذیل آیه انسجام و پیوند وجود دارد؛ از این رو در قرآن آیه‌ای را نمی‌توان یافت که مضمون آن به عقاب و ذیل آن به رحمت و مغفرت پرداخته باشد یا آیه‌ای نیست که دربردارنده خشنودی خداوند بوده، اما ذیل آن تهدیدگر و یادآور عذاب شدید الهی باشد و به همین ترتیب در ذیل آیه‌ها گاه یک یا دو ویژگی از ویژگی‌های خداوند - متناسب با مضمون و سیاق آیه آمده - است. گاه در پایان آیه‌ها علت یا

تأکید و تقریری نسبت به مفاد و حکم درون آیه آمده و گاه هشدار، پند یا وعد و وعیدی بیان شده است (حسان، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷/ر.ک: ابوزید، ۱۹۹۲، ص ۹۹). به این نوع تناسب در آثار مربوط به «بدیع در قرآن» توجه ویژه‌ای شده است (ر.ک: ابن ابی‌الاصبع، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳/زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۸)؛ برای مثال در آغاز سوره هود آمده است:

الرَّكَابُ أَكْهَمَتْ آيَاتُهُ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ
الف، لام، را، کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است که جز خدا را نپرستید؛ به راستی که من از سوی او برای شما هشداردهنده و بشارت‌گر هستم (هود: ۱-۲).

در این دو آیه، میان پایان آیه و آغاز آن، پیوند ظریفی برقرار است؛ بدین معنا که در آیه نخست، «حکیم» با «أَكْهَمَتْ» و «خَبِير» با «فُصِّلَتْ» تناسب دارد؛ یعنی آیات این کتاب حکیم از نزد کسی که خود دارای حکمت و استواری است، استوار و محکم گشته است و از سوی کسی آگاه به جزئیات و چگونگی است، تفصیل یافته است. فراز «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ» نیز بیانگر دو نکته است: ۱. بازداشتن پرستش غیر خدا؛ ۲. ایجاد اشتیاق عبادت پروردگار؛ دو واژه «نذیر» و «بشیر» نیز ناظر به این دو نکته‌اند. پیامبر ﷺ نسبت به پرستش غیر خدا که عذابی سخت در پی دارد، نذیر و بیم‌دهنده است و نسبت به عبادت و طاعت الهی که پاداشی ارزشمند در پی دارد، بشارت‌دهنده (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۱۴-۳۱۵).

ج) هماهنگی میان فواصل آیات: از نمودهای بارز انسجام و همبستگی در قرآن، هماهنگی پایان آیه‌های آن است؛ در ادبیات، چنانچه جمله‌های نثر پایان خود، همانند قافیه شعر، در ساختار آوایی با هم تناسب داشته باشند، به آن «سجع» گفته می‌شود (ر.ک: علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۹۷/مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۵۳)؛ بسیاری از به‌کاربردن این اصطلاح برای قرآن خودداری کرده و آن را «فواصل» که جمع فاصله است، می‌نامند (باقلانی، ۱۴۲۱، ص ۹۸/زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۴/بنت‌الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۲۵۳-۲۷۰). تناسب میان فواصل، پایان آیات را در یک خط مستقیم قرار داده و در همبسته‌کردن آیات آن نقش بسزایی دارد و خواننده، هنگام خواندن یک سوره، در سراسر آن با گونه‌ای یکنواختی مواجه شده و آیات آن را هماهنگ و یکپارچه می‌بیند. البته هماهنگی میان فواصل در همه‌جای قرآن جلوه

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

یکسانی نداشته و باتوجه به طول آیات و فضای سوره، نمودهای متفاوتی می‌یابد. سجع و تناسب فواصل بر پایه وقف استوار است؛ یعنی همگونی حاصل از آن، زمانی پدید می‌آید که در پایان آیات، وقف شده و حرکت‌ها آشکار نگردد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۹-۷۱).

سجع و هماهنگی به‌کاررفته در فواصل آیات، سه گونه‌اند: متوازی، مطّرف و متوازن (ر.ک: تفتازانی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۴۴۶-۴۴۸/ زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۵-۷۶): متوازی، آن است که واژگان به‌کاررفته در پایان آیات، هم در وزن و هم در حرف پایانی، یکسان باشند؛ مانند «مَرْفُوعَةً» و «مَوْضُوعَةً» در آیات سیزده و چهارده سوره غاشیه و «فَأَنْصَبَ» و «فَارْغَبَ» در آیات هفت و هشت سوره انشراح و «حَصِيدَ» و «نَصِيدَ» در آیات نه و ده سوره ق؛ مُطَّرَف، آن است که واژه‌ها در آخرین حرف، یکسان و در وزن، گوناگون باشند؛ مانند «تَسْتَكْثِرُ» و «فَاصْبِرْ» در آیات شش و هفت سوره مدثر و «وَقَارًا» و «أَطْوَارًا» در آیات سیزده و چهارده سوره نوح و نیز «الْعَالَمِينَ» و «الْأَمِينَ» در آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء. متوازن، آن است که فاصله‌ها تنها در وزن یکسان بوده و در آخرین حرف متفاوت باشند؛ مانند «مَبْثُوثٌ» و «مَنْفُوشٌ» در آیات چهار و پنج سوره قارعه و «طَارِقٌ»، «ثَاقِبٌ» و «حَافِظٌ» در آیات دو تا چهار سوره طارق و نیز «مُسْتَبِينَ» و «مُسْتَقِيمٌ» در آیات ۱۱۷ و ۱۱۸ سوره صافات.

به‌جز فواصل یادشده، در قرآن، گاه گونه چهارمی نیز به‌کار می‌رود که نزدیک‌بودن ضرب‌آهنگ و حروف پایانی دو واژه است، بی‌آنکه در وزن یا رَوِی (آخرین حرف قافیه که در آخر همه ابیات تکرار می‌شود) (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۲۴۱۹)، همسان باشند؛ در این گونه نیز آهنگین‌بودن و زیبایی تناسب پایان آیات مشهود است؛ مانند «عالمین»، «رحیم» و «دین»، در سوره حمد و نیز «مشارق» و «واحد» در آیات چهار و پنج سوره صافات.

به گفته برخی از پژوهشگران، هماهنگی آوایی در پایان آیه‌ها به اندازه‌ای است که در دو آیه کنار هم، حروف پایانی آنها یا یکسان بوده یا در مخرج و ویژگی‌های آوایی، نزدیک به هم است و هیچ‌گاه دو حرف دور از هم - در فاصله‌هایی که جفت یکدیگرند - قرار ندارد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۵)؛ همچنین در بسیاری از موارد پیش از حروف پایانی، یکی از حروف مد و لین (الف - واو - یا) قرار گرفته است؛ این حروف نقش مهمی در ایجاد موسیقی

صوتی دارند؛ چنان‌که ۵۱۶۵ آیه این‌گونه‌اند (حسناوی، ۱۴۰۶، ص ۲۹۶-۲۹۷/نصار، ۱۹۹۹، ص ۱۴۶/ر.ک: ابوزید، ۱۹۹۲، ص ۳۵۴).

۴. هماهنگی و یکپارچگی ساختار سوره‌ها: سوره‌ها با همه گوناگونی‌شان، هر یک پیکره واحدی هستند که یک روح در تمامی اجزای آن سریان دارد؛ میان آیه‌های هر سوره، همبستگی، تناسب و هماهنگی است؛ به‌گونه‌ای که هر یک دارای موضوع‌ها و اهداف ویژه‌ای هستند که مفاهیم آن از جمله قصه‌ها، مثل‌ها، احکام و آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی بر مدار آنها می‌گردد (مقاله مقاصد سوره‌های قرآن)؛ چنان‌که وجود همین ویژگی پاسخی درخور به کسانی است که مدعی آشفتگی و نابسامانی قرآن در سبک هستند (Leaman, 2006, p.56). سوره‌ها به‌ویژه آنجا که به نسبت طولانی‌اند، همانند هر متن ادبی و حکیمانه، دارای سه بخش هستند: سرآغاز، پیکره میانی و پایان (ر.ک: بستانی، ۱۴۱۴، ص ۳۲۱). البته به دلیل گوناگونی سوره‌ها ممکن است این سه بخش در تمامی آنها به تفکیک وجود نداشته و ساختارهای دیگری بر آنها حاکم باشد؛ چنان‌که گاه در سوره‌های کوچک، موضوع به‌طور مستقیم ارائه می‌شود:

الف) سرآغاز سوره: این بخش که همچون مقدمه و درآمدی بر سوره است، معمولاً از دو ویژگی بارز برخوردار است: ۱. نیکو و دلپذیر بودن (حسن ابتدا یا حسن مطلع)؛ ۲. تناسب با محتوا و مضمون (براعت استهلال) (ر.ک: تفتازانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۶/هاشمی خویی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۳/مطلوب، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷)؛ بدین ترتیب که واژه‌ها و نکته‌هایی در آن گنجانده شده که زمینه مناسبی برای موضوع‌های ارائه‌شده در سوره است و به‌اجمال به مقصود و فضای کلی آن اشاره دارد. از جمله مفسرانی که به این نکته اشاره کرده‌اند، علامه طباطبائی است؛ برای مثال وی شش آیه نخست سوره آل‌عمران را به لحاظ براعت استهلال، در بردارنده اجمال مطالب سوره می‌داند و آیه آغاز سوره برائت را به منزله عنوانی می‌انگارد که در صدر کلام آمده و به چکیده آن اشاره می‌کند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳ و ۹، ص ۱۴۶-۶).

ب) بخش میانی یا پیکره: این بخش که در بردارنده پیکره اصلی سوره بوده و بخشی منسجم است، به تفصیل مطالب و توضیح حوادث می‌پردازد؛ در این بخش غرض سوره

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

می‌تواند ربط‌دهنده آیات گوناگون به یکدیگر باشد؛ برای مثال غرض در سوره علق، ابلاغ نخستین دستور به پیامبر اکرم ﷺ درباره دعوت مردم به توحید است. آیات یک تا پنج به اصل فرمان خدا به پیامبر ﷺ اشاره دارد؛ آیات شش تا هشت به شکل‌گیری جریان سرکش در برابر این دعوت و چالش آنها با پیامبر اکرم ﷺ می‌پردازد؛ آیات نه تا چهارده بیان نمونه‌ای از سرکش‌ها در چهره مخالفت با نماز بندگان خداست آیات پانزده تا هجده به عذاب این سرکشان و آیه نوزده به وظیفه پیامبر ﷺ در چالش پیش رو اشاره می‌کند.

افزون بر غرض، در متن هر سوره، میان آیات هم‌جوار گونه‌های مختلفی از انسجام و پیوند را می‌توان یافت که گاه در قالب دستور زبانی است؛ مانند آنکه آیه دوم، خبر، صفت، حال، استثنا و تأکید یا بدل برای آیه نخست باشد. گاه این پیوند را حرف‌های عطف یا عبارت‌های تکرارگونه ایجاد می‌کنند. ممکن است آیه نخست، سبب و زمینه‌ساز پس از خود بوده یا آیه دوم، مصداق، دلیل، شاهد، تفصیل و تشریح پیش از خود باشد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱۸/ خرقانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰-۱۷۸/ حسان، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۹۵-۴۲۰)؛ از دیگر سو همان اندازه که هم‌نوعی و هم‌سنخی، باعث نزدیکی و تناسب می‌شود، گاه تضاد و تقابل نیز در دو بخش از یک آیه یا دو آیه هم‌جوار موجب ایجاد زیبایی می‌شود؛ چنان‌که نمونه‌های آن فراوان است؛ با هم آمدن اندازها، بشارت‌ها، بهشت و دوزخ، مؤمنان و کافران و بایدها و نبایدها از این دسته‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹).

حُسن تخلص و استطراد نیز بیانگر دو گونه دیگر از تناسب میان آیه‌ها هستند: در حُسن تخلص، گوینده، همراه با مناسبتی ظریف و به شیوه‌ای نیکو و بیانی هنرمندانه از سخنی به سخن دیگر گریز می‌زند؛ این شیوه سخن، نشاط و شگفتی شنونده را در پی دارد. حُسن تخلص گاه در گریز از دیباچه سخن به اصل مقصود است و گاه در اثنای آن؛ نمونه‌ای از حُسن تخلص در آغاز سوره یوسف (آیات نخست تا سوم) است که خداوند از وصف قرآن به داستان یوسف ﷺ گریز می‌زند. نمونه دیگر در سوره شعراء (آیات ۷۰ تا ۸۱) است که از قول ابراهیم ﷺ درباره مذمت بتان، به بیان ویژگی خداوند منتقل می‌شود. استطراد نیز همانند حُسن تخلص است؛ جز اینکه در استطراد، گوینده پس از گریز به مطلب دوم، دوباره به ادامه مطلب

نخست بر می‌گردد؛ نمونه‌ای از استطراد را می‌توان در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره اعراف، آیه ۸۷ سوره شعراء و آیات شانزدهم تا نوزدهم سوره نساء مشاهده کرد (ر.ک: علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۲ و ۳، ص ۱۷۳-۱۷۶ و ۸/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۲۱).

در برابر پیوند و تناسب میان بخش‌های سخن، شیوه دیگری وجود دارد که در آن گوینده از یک موضوع بدون مناسبتی ظاهر و آشکار به موضوع دیگر منتقل می‌شود؛ به باور گروهی از مفسران، این شیوه از سخن - که «اقتضاب» نام دارد - در قرآن کریم به کار رفته است (ر.ک: علوی یمنی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۲/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۲۰)؛ نمونه آن را در سوره ص می‌توان مشاهده کرد: در این سوره، پس از یادآوری سرگذشت شماری از پیامبران آمده است: «هَذَا ذِكْرٌ لِّلْمُتَّقِينَ لَّحُسْنِ مَآبٍ» (ص: ۴۹)؛ سپس صفات اهل بهشت بیان می‌شود تا آنکه در آیه ۵۵ می‌فرماید: «هَذَا وَانَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ».

در این شیوه نیز اجزای سخن در ظاهر با هم پیوندی ندارند، اما همه در راستای غرض سوره قرار داشته و از این نظر با یکدیگر متناسب هستند؛ برای مثال اقتضاب سوره ص باتوجه به غرض سوره - خارج کردن پیامبر ﷺ از چالش‌های موجود میان او و گروه‌های منسجم متشکل از کافران قدرتمند مکه (بهجت‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۶) - تبیین می‌شود؛ خدای متعال در این سوره پس از توصیه پیامبر ﷺ به شکیبایی در انجام وظیفه رسالت با بیان سرگذشت گروهی از انبیا در ضمن آیات ۴۹ تا ۶۶ به بررسی دو گروه موافق پیامبر ﷺ و موافق بزرگان کفر مکی اشاره می‌کند؛ فرجام گروه نخست را بهشت و سرانجام گروه دوم را - که با سرکردگان و مترفان مکی همراه شده‌اند - دوزخ می‌شمرد (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۴).

افزون‌براین با مطالعه دقیق سوره‌های مکی متأخر و دقت در نقش گفت‌وگو در این سوره‌ها به‌خوبی می‌توان به وجود پیوستگی و ارتباط مطالب در متن قرآن پی برد (Mir, 2006, p.533).

ج) خاتمه و پایان سوره: در این بخش، غرض سوره به پایان خود رسیده و به نتیجه و چکیده‌ای از سوره اشاره می‌شود؛ سرانجام سوره‌ها نیز دارای دو ویژگی بارز هستند: ۱. زیبایی و پرمحتوایی؛ ۲. تناسب با مضمون سوره (ر.ک: ابن‌ابی‌الاصبع، ۱۳۶۸، ص ۳۸۴-۳۹۱/ همو، ۱۴۱۶، صص ۶۱۶، ۶۲۰ و ۶۲۱). سوره‌ها در راستای غرضی خاص سیر می‌کنند و زمانی که

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

سوره به پایان خود نزدیک می‌شود، به‌طورطبیعی بخش پایانی در پیوند با دورنمایه سوره بوده و مروری اشاره‌ای بر مضمون آن داشته یا نتیجه‌ای را که از روند سوره حاصل می‌شود، دربردارد؛ چنان‌که در سوره دهر از آفرینش انسان، هدایت و اختیار او در گزینش خیر و شر آغاز شده و در آیات پایانی نیز محتوای سوره را تذکره‌ای برای انسان می‌شمرد تا هرکسی که خواست [از روی اختیار] به‌سوی پروردگارش گام بردارد.

باتوجه به آنچه بیان شد، آغاز سوره‌ها، زمینه‌ساز مضامین آن بوده و دورنمایی از آن را بیان می‌کند و در پایان آنها نیز از صنعت براعت ختام استفاده شده و با محتوای سوره متناسب است؛ همچنان‌که میان آغاز و انجام سوره‌ها نیز پیوند وجود دارد؛ برای نمونه در آغاز سوره مؤمنون از رستگاری مؤمنان و در پایان آن از رستگارنشدن کافران سخن می‌گوید؛ سوره ص نیز با ذکر، آغاز می‌شود و با آن نیز پایان می‌یابد؛ همچنین سوره حشر نیز با تسبیح خدا آغاز می‌شود و به آن پایان می‌یابد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۲۴).

۵. تناسب میان سوره‌ها: وجوه گوناگونی درباره پیوند سوره‌ها بیان شده است (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۳۸-۳۹ و ۲۶۱/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۷/ ابوزید، ۲۰۰۰، ص ۱۶۲-۱۶۷)؛ این وجوه از نگاه کسانی که آن را ارائه کرده‌اند در هردو نوع ترتیب سوره‌ها (ترتیب نزولی سوره‌ها و ترتیب مصحفی آن) قابل پیگیری است که مهم‌ترین آنها در ترتیب کنونی مصحف به‌صورت خلاصه عبارت‌اند از:

الف) ارتباط مضمونی میان سوره‌های هم‌جوار: برای نمونه سوره دوم ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده سوره پیش از خود بوده یا مطالب اجمالی آن را به‌تفصیل بیان می‌کند؛ یا اینکه ممکن است موضوع مطرح‌شده در هردو، یکی باشد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸-۳۹/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۱۵/ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۱۷/ شریعتی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۷-۱۸۸/ حجازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۸۴)؛ هرچند برخی از اندیشمندان این‌گونه پیوند دو سوره و همچنین نوع بعدی را انکار کرده‌اند (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۸۶).

ب) ارتباط آغاز سوره با پایان سوره پیشین: برای مثال در بخش پایانی سوره فاتحه درخواست «هدایت» شده و در آغاز سوره بقره، قرآن به‌عنوان «هادی» معرفی می‌شود؛

همچنان که در آیات پایانی سوره حج آمده است: کار خیر انجام دهید تا به رستگاری برسید و سوره مؤمنون نیز با «فَذَاقْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» شروع می‌شود (ثقفی، ۱۴۰۸، صص ۷۸، ۸۳ و ۱۳۴).

همین گونه از تناسب درباره دیگر سوره‌ها نیز بیان شده است؛ مانند تناسب میان پایان سوره نساء و آغاز سوره مائده (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، صص ۲۳۱-۲۳۲)، پایان سوره مائده و آغاز سوره انعام (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۲)، پایان سوره اعراف و آغاز سوره انفال (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۶۹۱) و پایان سوره قصص و آغاز سوره عنکبوت (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۲۳).

ج) همانندی دو سوره پیاپی در آغاز یا پایان: برای نمونه سوره‌هایی که با «حم» آغاز شده‌اند در کنار یکدیگر قرار گرفته و آیات آغازین آنها همانند یا بسیار نزدیک به هم هستند و از چگونگی تنزیل قرآن سخن می‌گویند (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷۷)؛ چنان‌که سوره‌های یس و صافات هردو با تسبیح و تنزیه خداوند پایان یافته‌اند؛ در پایان سوره‌های تغابن و طلاق نیز سخن از گستردگی و فراگیری دانش الهی است.

د) تشریح سوره بقره به وسیله سوره‌های پس از آن: حوٰی از قرآن پژوهانی است که طرحی ویژه در پیوند میان سوره‌ها ارائه می‌دهد؛ وی قرآن را به چهار قسم سبع طوال (هفت سوره طولانی نخست قرآن)، مئین (از سوره یونس تا سوره قصص)، مثانی (از سوره عنکبوت تا سوره ق)، مفصله (از سوره ذاریات تا انتهای قرآن) و ۲۴ مجموعه تقسیم می‌کند؛ به باور او سوره بقره تمامی موضوع‌های قرآن را در خود جای داده و همانند محوری است که دیگر سوره‌ها، آن را تفصیل می‌دهند (حوٰی، ۱۴۱۲، ج ۱ و ۱۱، صص ۳۰-۳۱ و ۶۷۷ و ۶۷۷۱، مقاله تلاوت قرآن).

نتیجه

بررسی جامع سطوح مختلف متن قرآن کریم، گویای وجود انسجامی عمیق، چندلایه و هدفمند در این کتاب آسمانی است. این انسجام—که از هماهنگی حروف و اصوات آغاز شده و تا پیوند محکم سوره‌ها امتداد می‌یابد—تصادفی نبوده، بلکه نشأت گرفته از علم بی‌پایان الهی و بخشی از اعجاز بیانی قرآن به‌شمار می‌رود. ادعاهای مخالف، عمدتاً ریشه در

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام‌مند از مقاصد میانی و نهایی)

فهم ناقص و روش‌شناسی نادرست در مواجهه با متنی منحصر به فرد دارد؛ بنابراین انسجام ساختاری قرآن نه تنها واقعی است که توسط میراث کهن و پژوهش‌های معاصر اسلامی به اثبات رسیده، بلکه خود دلیلی متقن بر الهی بودن، یکپارچگی و عدم تحریف این آخرین پیام الهی است. این یافته، اهمیت توجه به «نظم» قرآن را به عنوان کلید فهم عمیق‌تر معارف آن خاطرنشان می‌سازد.

منابع

۱. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق علی عطیه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی الاصبغ، عبد العظیم بن عبد الواحد؛ بدیع القرآن؛ ترجمه سید علی میرلوحی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۳. ابن ابی الاصبغ، عبد العظیم بن عبد الواحد؛ تحریر التخبیر فی صناعة الشعر والنثر و بیان إعجاز القرآن؛ تحقیق محمد شرف حنفی؛ قاهره: وزارت الاوقاف المجلس الأعلى للشئون الإسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد؛ التسهيل لعلوم التنزيل؛ تحقیق عبد الله خالدي؛ بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن زبیر ثقفی، احمد بن ابراهیم؛ البرهان فی تناسب سور القرآن؛ تحقیق سعید فلاح؛ تونس: الجامعة الزيتونية للشریعة و أصول الدین، ۱۴۰۸ق.
۶. ابن زبیر ثقفی، احمد بن ابراهیم؛ ملاک التاویل القاطع بذوی الالحاد والتعطیل فی توجیه المتشابه اللفظ من آی التنزیل؛ تحقیق سعید فلاح؛ بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۰۳ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ قم: نشر أدب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۸. ابن نبی، مالک؛ پدیده قرآنی؛ ترجمه علی حجتی کرمانی؛ تهران: نشر شعر، ۱۳۷۱.
۹. ابوزید، احمد؛ التناسب البیانی فی القرآن (دراسة فی النظم المعنوی والصوتی)؛ رباط: کلیة الآداب و العلوم الانسانیة، ۱۹۹۲م.
۱۰. ابوزید، نصر حامد؛ مفهوم النص (دراسة فی علوم القرآن)؛ بیروت: المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۰م.
۱۱. ابولیلہ، محمد؛ القرآن الکریم من المنظور الاستشراقی (دراسة نقدیة تحلیلیة)؛ قاهره: دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۳ق.
۱۲. اسماعیل، عزالدین؛ الأسس الجمالیة فی النقد العربی (عرض و تفسیر و مقارنة)؛ قاهره: دارالفکر العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۳. ایازی، سید محمد علی؛ چهره پیوسته قرآن؛ تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰ق.

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام مند از مقاصد میانی و نهایی)

۱۴. باقلانی، محمد بن طیب؛ إعجاز القرآن؛ تحقیق ابو عبد الرحمن صلاح؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۱۵. بدوی، احمد؛ من بلاغة القرآن؛ قاهره: دار نهضة مصر، ۲۰۰۵م.
۱۶. بستانی، محمود؛ القواعد البلاغیة فی ضوء المنهج الإسلامی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق.
۱۷. بقاعی، ابراهیم بن عمر؛ تفسیر نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور؛ تحقیق عبد الرزاق غالب مهدی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۸. بل، ریچارد؛ درآمدی بر تاریخ قرآن؛ ترجمه بهاء الدین خرمشاهی؛ قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی، ۱۳۸۲.
۱۹. بنت الشاطی، عایشة عبد الرحمن؛ الإعجاز الیبانی للقرآن؛ قاهره: دارالمعارف، ۱۴۰۴ق.
۲۰. بهجت پور، عبد الکریم؛ همگام با وحی، تفسیر تنزیلی؛ قم: انتشارات سبط النبی، ۱۳۸۷.
۲۱. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر و دیگران؛ شروح التلخیص؛ قم: نشر ادب الحوزة، [بی تا].
۲۲. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر؛ شرح المختصر؛ تحقیق عبد المتعال صعیدی؛ قم: منشورات دارالحکمة، [بی تا].
۲۳. تهانوی، محمد علی؛ موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
۲۴. جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن؛ دلائل الإعجاز فی علم المعانی؛ تحقیق عبد الحمید هنداوی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۵. حجازی، محمد محمود؛ التفسیر الواضح؛ بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۳ق.
۲۶. حجازی، محمد محمود؛ الوحدة الموضوعیة فی القرآن الکریم؛ قاهره: دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۰ق.
۲۷. حریری، محمد یوسف؛ فرهنگ اصطلاحات قرآنی؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۳۸۴.
۲۸. حسن، تمام؛ البیان فی روائع القرآن؛ قاهره: عالم الکتب، ۱۴۲۰ق.
۲۹. حسناوی، محمد؛ الفاصلة فی القرآن؛ بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۴۰۶ق.
۳۰. حوی، سعید؛ الأساس فی التفسیر؛ قاهره: دار السلام، ۱۴۱۲ق.
۳۱. خرقانی، حسن؛ هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم؛ تهران: نشر قلمرو، ۱۳۸۰.
۳۲. خطیب اسکافی، محمد بن عبد الله؛ درة التنزیل و غرة التأویل فی بیان الآیات المتشابهات

- فی کتاب الله العزیز؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۲ق.
۳۳. خنین، ناصر بن عبدالرحمن؛ النظم القرآنی فی آیات الجهاد؛ ریاض: مكتبة التوبه، ۱۴۱۶ق.
۳۴. داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۳.
۳۵. دهخدا، علی اکبر و دیگران؛ لغت نامه؛ تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۶. ذوالفقاری، محسن و سیما داد؛ فرهنگ موسیقی شعر (تحلیل انتقادی بر موسیقی شعر فارسی)؛ قم: انتشارات نجبا، ۱۳۸۰.
۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: نشر الکتاب، ۱۳۸۰.
۳۸. راغب، عبدالسلام احمد؛ وظيفة الصورة الفنية فی القرآن الکریم؛ حلب: نشر فصلت، ۱۴۲۲ق.
۳۹. رافعی، مصطفی صادق؛ إعجاز القرآن و البلاغة النبویه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۴۰. رشیدرضا، محمد؛ تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۴۱. رُمانی، علی بن عیسی؛ النکت لإعجاز القرآن؛ ترجمه منصور پهلوان؛ تهران: انتشارات نیا، ۱۳۸۲.
۴۲. زركشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶.
۴۳. سبحانی، محمد عنایة الله اسد؛ امعان النظر فی نظام الآی والسور؛ عمان: دارعمار، ۱۴۲۴ق.
۴۴. ستوده نیا، محمدرضا؛ بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی؛ تهران: نشر رایزن، ۱۴۲۴ق.
۴۵. سیبویه، عمرو بن عثمان؛ الکتاب؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ بیروت: دارالجلیل، [بی تا].
۴۶. سید قطب، قطب الدین ابراهیم؛ التصوير الفني فی القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۵ق.
۴۷. سیوطی، جلال الدین؛ الأتقان فی علوم القرآن؛ (تحقیق فؤاد احمد زمرلی؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۸. سیوطی، جلال الدین؛ تناسق الدرر فی تناسب السور؛ تحقیق عبدالله محمد درویش؛ دمشق: دارالکتب العربی؛ ۱۴۰۴ق.
۴۹. شافعی، عزالدین بن عبدالسلام؛ الإشارة الی الایجاز فی بعض أنواع المجاز؛ بیروت:

اهداف نزول قرآن؛ از هدایت فردی تا تشکیل جامعه الهی (تحلیلی نظام مند از مقاصد میانی و نهایی)

دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.

۵۰. شحاته، عبدالله محمود؛ علوم القرآن؛ قاهره: مكتبة نهضة الشرق، ۱۹۸۵م.
۵۱. شریعتی، محمدتقی؛ تفسیر نوین؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶.
۵۲. شوکانی، محمدبن علی؛ فتح القدیر؛ دمشق و بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۵۳. صبحی، صالح؛ مباحث فی علوم القرآن؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۲.
۵۴. صعیدی، عبدالمتعال؛ النظم الفنی فی القرآن؛ قاهره: مكتبة الآداب، [بی تا].
۵۵. صغیر، محمدحسینعلی؛ الصوت اللغوی فی القرآن؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق عده ای از محققان؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
۵۸. عباس، فضل حسن؛ قضایا قرآنیة فی الموسوعة البريطانية (نقد مطاعن و ردّ شبهات)؛ عمان: دارالفتح، ۱۴۲۱ق.
۵۹. عبدالمجید، جمال؛ البدیع بین البلاغة العربیة واللسانیات النصیة؛ قاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب، ۱۴۲۱ق.
۶۰. علوی یمنی، یحیی بن حمزه؛ الطراز لإسرار البلاغة و علوم حقائق الإعجاز؛ تحقیق عبدالحمید هنداوای؛ بیروت: المكتبة العصریة، ۱۴۲۳ق.
۶۱. فخر رازی، محمدبن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۶۲. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی؛ قم: مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
۶۳. مبارک، محمد؛ دراسة ادبیة لنصوص من القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۲ق.
۶۴. مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد؛ أنوارالربیع فی أنواع البدیع؛ (تحقیق شاکر هادی شکر؛ نجف: مكتبة النعمان، ۱۳۸۸ق.
۶۵. مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد؛ خصائص التعبير القرآنی و سماتة البلاغیة؛ قاهره: مكتبة وهبه، ۱۴۱۳ق.
۶۶. مطلوب، احمد؛ معجم مصطلحات البلاغیة و تطورها؛ بیروت: الدار العربیة للموسوعات، ۱۴۱۳ق.
۶۷. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.

۶۸. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۱.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۷۰. منجد، نورالدین؛ الترادف فی القرآن الکریم بین النظرية والتطبيق؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۷۱. موسوی خویی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: انتشارات أنوارالهدی، ۱۴۰۱ق.
۷۲. نحلہ، محمود احمد؛ دراسات قرآنیہ فی جزء عم؛ بیروت: دارالعلوم العربیہ، ۱۴۰۹ق.
۷۳. نصار، حسین؛ إعجاز القرآن، الفواصل؛ مصر: مكتبة مصر، ۱۹۹۹م.
۷۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب اللہ؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة؛ تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۶ق.
75. Abdol-Raof, H. (2006). Style in the Qur'an. In O. Leaman (Ed.), The Qur'an: An Encyclopedia. Routledge.
76. Bellamy, J. A. (2006). Textual Criticism of the Qur'an. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.
77. Bobzin, H. (2006). Pre-1800 Preoccupations of Qur'anic Studies. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.
78. El-Awa, S. M. (2006). Textual Relations in the Quran, Relevance, Coherence, and Structure. Routledge.
79. Leaman, O. (2006). Arguments and the Qur'an. In O. Leaman (Ed.), The Qur'an: An Encyclopedia. Routledge.
80. Lowin, S. (2006). Revision and Alternation. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.
81. Mir, M. (2006). Dialogues. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.
82. Neuwirth, A. (2006). Form and Structures of the Qur'an. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.
83. Neuwirth, A. (2006). Sura (s). In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.
84. Scholler, M. (2006). Post-enlightment Academic Study of the Qur'an. In J. D. McAuliffe (Ed.), Encyclopedia of the Qur'an (Vol. 5). Brill.